



هوشنگ توکلی و مؤلفه های ساخت یک مجموعه تاریخی

آنچه مدرس را «مدرس» کرد



مجتبی برزگر
روزنامه نگار

از زمانی که اولین بار برای الگوی نمایندگی مجلس شهید مدرس، سریال ساخته شد، سال ها می گذرد. مجموعه تلویزیونی که نامش مدرس بود و نقش این شخصیت را به مرحوم خسرو شکیبایی واگذار کردند. هوشنگ توکلی و اسماعیل سنگله - که بعدها در پروژه های تلویزیونی و سینمایی زیادی به عنوان بازیگر حاضر شد - کارگردان و تهیه کننده این سریال بودند. مجموعه تلویزیونی مدرس سال ۱۳۶۵ با نقش آفرینی ویژه خسرو شکیبایی داستان زندگی آیت... سیدحسن مدرس را از ورود به تهران و نامزد شدن وی در مجلس شورای ملی و درگیری مدرس با رضاشاه تا کشته شدنش را روایت می کند.

محمد رضا حقگو، فرخ نعمتی، سیروس گرجستانی، آتش تقی پور، داوود آریا، مرتضی ضرابی، حسن زارعی و مجید رزاز هم در این سریال شش قسمتی ایفای نقش کردند. توکلی برای اولین بار روحانی مبارز و الگوی نمایندگان مجلس را به قاب شبکه یک سیما آورد؛ روایتی که جامعه فقط در نماهای اندک و گذرا با آن برخورد داشته است. شاید کنار جذابیت اولین نمایش، نطق تاریخی شهید مدرس با بازی خسرو

شکیبایی (نقش شهید مدرس) مورد توجه قرار گرفت و تاریخی شد، جایی که در دوره پنجم مجلس که سراسر پی میخ خود را محکم کوبیده و به عنوان رئیس الوزرا بسیاری از روشنفکران خواهان تغییر و تحول را به هواخواهی خود کشانده بود، مدرس در دهم آبان ماه، ۱۳۰۳ در مجلس نطقی ایراد کرد که به عنوان یکی از مهم ترین نطق های تاریخ مجلس مشروطه ثبت شد.

سریال شهید مدرس را سال ها بعد از اولین پخش روی آنتن بردند اما رفته رفته گرفتار تیغ سانسور شد؛ تا جایی که به تعبیر کارگردانش چیزی از آن باقی نماند و دیگر خودشان هم آن را پخش نمی کنند. او از این اتفاقات گلایه دارد و کارگردانی نمی کند؛ اما بیشتر او را در قامت بازیگر دیدیم؛ کارهایی که قدرت تألیف او را به رخ مخاطب می کشید؛ کاراکتر وثوق الدوله سریال میرزا کوچک خان جنگلی، دایی زیر تیغ، مرگ تدریجی یک رؤیا فریدون جیرانی دوباره نام هوشنگ توکلی را سر زبان ها آورد. او این روزها کمتر بازی می کند، کارگردانی نمی کند و بیشتر تدریس می کند به بهانه سالروز شهادت شهید مدرس با هوشنگ توکلی لحظاتی درباره این سریال تلویزیونی صحبت کردیم.

کنم و البته دیگر منابع و آثار در این زمینه را هم مطالعه کنم. خیلی این شخصیت برای من شخصیت بارز بود و لحظه های زندگی مدرس به خصوص آن لحظه های تاریخی پر از لحظه های دراماتیک بود. سال ۶۶ مدیریت شبکه یک به عهده آقای فریدزاده و مدیریت گروه فیلم و سریال را هم فرید حاج کریم خان به عهده داشت و جزو بارزترین مدیران فرهنگی بعد از انقلاب بودند که تمام ردپاهایشان از دهه ۷۰ به بعد با مدیریت جدید از بین رفتند؛ متأسفانه تمام آثار بارزشی که در دهه ۶۰ هم ساخته شد براساس ذهن خلاق و نوآور مدیرانی مثل حاج کریم خان و آقای فریدزاده اتفاق افتاد. به من پیشنهاد دادند برای سالگرد شهادت مدرس سریالی بسازم و دیدم فرصت خوبی است حاصل این تحقیقات، نوشته ها و یادداشت ها را کنار هم بگذارم و به آنتن تلویزیون بیاورم. این سریال ۶ قسمتی شد که قسمت اول آن مقدمه بود؛ هیچ وقت به این سبک و سیاق و ژانر در ایران پرداخته نشده بود، نه در سینما و تئاتر و نه در تلویزیون؛ من کارگردانی در آن دوره بوده ام که هم صاحب سبک بوده ام و هم صاحب روش و مورخ هنری. ویژگی هایی مدنظر داشتم که باید کنار هم قرار می گرفت تا چنین اثری ساخته شود.

۱. یکی از نکاتی که از چند پیشکشوت دیگر هم شنیدیم این بوده که یا دستمزد های توهین آمیزی به آنها پیشنهاد می شود یا نقش و فیلمنامه ای ضعیف.

آیا برای شما هم این اتفاقات افتاده است؟
بله، چند کار را از روی ناچار بازی کردم و پیشنهادها را پذیرفتم از جمله زیر تیغ که جواب مثبت دادم و بازیگر آن سریال ها شدم؛ زیرا ترجیح می دادم در حوزه تخصصی، دانایی و تجربیات خودم در نویسندگی و کارگردانی کار کنم. در کارهای خودم بازی هم می کردم به این معنا نیست تمام آن کارهایی را که جنبه خلاقیت دارد کنار بگذارم و فقط نقش بازی کنم. سختی هایی که طی این سال ها داشتم همه باعث شد کمتر کار کنم. متن هایی که برای من فرستاده می شود متن هایی بی هویت، ضعیف و آزاردهنده است و بیننده هم ببیند معترض می شود.



ضد عادت می گویم.
۲. هنوز هم بابت سانسورهای این سریال گلایه دارید؛ چرا؟

هر مدیری به تلویزیون آمد بخشی از صحبت های مهم تاریخی مربوط به رفتارهای این شخصیت را درآورده اند؛ در واقع ردپای انگلیس و روس را در ایران دنبال کنید می بینید که در طول این ۴۰ سال گذشته چه بلایی سر فیلم مدرس آوردند. این سریال تکه تکه شد و تمام مسائل کلیدی و اصلی را از داخل آن درآوردند.

۳. شاید بارها درباره اش صحبت کرده باشید اما مخاطبان دوست دارند بدانند چطور شد به داستان و ساخت مجموعه تلویزیونی مدرس رسیدید؟

در دهه ۶۰ به نوبه مرحوم مدرس، علی مدرس که استاد ادبیات بود، آشنا شدم. او کتابی به نام قهرمان آزادی نوشت که به زندگی و مبارزات شهید مدرس برمی گشت. او این کتاب را در اختیار بنده گذاشت و انگیزه ای شد که ۵-۶ سال روی این کتاب تحقیق

۴. با این نکته شروع می کنیم که شاید دور شدن فیلمسازان از اصالت اجرای درست در سریال ها و فیلم های تاریخی، به یک تکرار و عدم ایده پردازی در ساختار آثار رسیدیم و کمتر کاری را در چند سال اخیر ماندگار، صدا زد. مؤلفه های ساخت کارهای پرتزهی مثل شهید مدرس که خودتان خلق کردید چه هستند؟

موفقیت مدرس، منهای آن محتوا که دقیق و درست بود در شکلی که ارائه شد، اتفاق افتاد. آن شکل خلاف عادت و تصور هم اهالی هنر و هم جامعه پیش رفت. یعنی در واقع ما عادت شکنی کردیم؛ این خاصیت انسان هاست وقتی به موضوع و مساله ای عادت می کنند دیگر دوست ندارند از آن عادت بیرون بیایند. این نکته به زیبایی شناسی کلی آسیب می زند و هنرمندانی که تلاش می کنند آن عادت را بشکنند و طرحی نو بیندازند حداقل آثارشان ماندگار می شود. ماندگاری مدرس برای این است که با نگاهی نو در ساختار درام و نمایش معرفی و کار شد. من این ضرورت را الان هم می بینم و حتی به مدیران توصیه کردم و به آنها گفتم. اصلاً دلیل عقب ماندگی بخش تولید ما در چند سال اخیر همین نکته بوده است. وقتی الگویی که از چند فیلم هالیوودی و ... کپی می شود و بارها در گونه های مختلف تکرار می شود یا ساختار سینمایی طنز پیدا می کند یا اجتماعی یا درام های انتقادی، بدون نوآوری حتماً این عرصه در جذب مخاطب، متوقف می شود.

نوآوری زمانی اتفاق می افتد که ما با اشتیاق به دستاوردهای گذشته که به شکل عادت شده، عبور کنیم. این اتفاق را در سریال مدرس می بینیم.

۵. یکی از نکات دیگر که بسیاری از بینندگان هنوز هم درباره آن صحبت می کنند حضور خسرو شکیبایی و ایفای نقش اوست که می توان او را بهترین بازیگر این نقش عنوان کرد. چرا که بعدها برخی بازیگران دیگر هم این شخصیت را بازی کردند اما مثل شکیبایی نشد. چرا؟

به نظرم این اتفاق خیلی مربوط به خسرو شکیبایی نمی شود، بلکه به ساختار آن اثر برمی گردد. خسرو